

بررسی مسئولیت مدنی سربازان وظیفه ناشی از تیراندازی

محسن بهشتیان* مهدی باباجانی افروزی**

تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

چکیده

امروزه در برخی یگان‌های نیروهای مسلح، علی‌الخصوص نیروی انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سربازان وظیفه نیز، جهت انجام برخی از ماموریت مهم و حساس از قبیل اعاده نظم و امنیت، جلوگیری از تشکل و راهپیمایی‌های غیر مجاز و ... استفاده می‌شود و بر حسب وظیفه خدمتی و در جهت اجرای این وظایف، سلاح و مهمات و ... در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، بدون اینکه آن‌ها در نحوه استفاده از این قبیل وسایل، آموزش‌های لازم را طی نموده باشند و از مسئولیت یا عدم مسئولیت و نحوه جبران خسارت در فرض تعدی یا تفریط یا عدم آن در حوادث زبان بار ناشی از تیراندازی در قبال شخص یا اشخاص ثالث آگاه باشند، براساس تحقیقات انجام شده می‌توان اظهار داشت: مطابق تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و ماده ۷۳۴ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ قانون به کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳، در صورتی که مامورین در چارچوب قوانین و مقررات به دستورات عمل نموده و تیراندازی کرده باشند و هیچ گونه خطایی در رعایت از قوانین و مقررات ننموده باشند، در این صورت و در فرض ورود خسارت به شخص یا اشخاص بی‌گناه، دیه مجروح یا مقتول از بیت المال پرداخت می‌شود. اما اگر نیروی‌های وظیفه در انجام وظایف و نحوه استفاده از این قبیل وسایل در قبال اشخاص زیان دیده مرتکب تعدی و تفریط شده باشند و در نتیجه خسارت‌های جانی، بدنی و مالی به شخص یا اشخاص ثالث وارد نموده باشند و طبق رای محاکم صالح تقصیر آن‌ها به اثبات برسد، به استناد مواد ۴۱ و ۱۳۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و ماده ۱۶ قانون به کارگیری سلاح مامورین خطایی نه تنها مسئولیت کیفری دارند؛ بلکه ضامن جبران خسارت یا جراحت وارده نسبت به شخص یا اشخاص زیان دیده می‌باشند، اما اگر ثابت شود، شخص مقصر تمکن مالی جهت پرداخت خسارت به زیان دیده را ندارد، یا به علت فرار، دسترسی به متهم وجود ندارد، به استناد ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی و روایات معتبر فقهی، بستگان وی به ترتیب قاعده الاقرب فالاقرب باید دیه را بپردازند و اگر بستگان وی تمکن مالی نداشتند، یا بستگانی جهت پرداخت خسارت به زیان دیده ندارد، دولت به قایم مقامی از عاقله جبران خسارت می‌نماید؛ زیرا اولاً براساس قاعده "لا یبطل دم امری مسلم" خون مسلمانی نباید پایمال شود و ثانیاً براساس قاعده "لا ضرر" در اسلام اضرار به دیگران منع شده است.

واژگان کلیدی: سرباز وظیفه، تقصیر، رابطه‌ی سببیت، عوامل رافع مسئولیت، مسئولیت دولت.

مقدمه

با توجه به اعزام خیل عظیمی از سربازان وظیفه به نیروهای مسلح و گذراندن دوران آموزشی و تقسیم به سایر یگان‌های تابعه، بنا به ضرورت سازمان، شغل یا مسئولیتی به آن‌ها سپرده می‌شود و در جهت اجرای این وظایف و ماموریت‌ها، بر حسب وظیفه خدمتی، وسایل و تجهیزات نظامی از جمله اسلحه، مهمات و ... در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، بدون این که این نیروها، آموزش‌های تخصصی لازم را در خصوص نحوه به کارگیری سلاح گذرانده باشند و از مسئولیت یا عواقب ناشی از عدم رعایت قوانین و مقررات تیراندازی و نحوه جبران خسارت نسبت به شخص یا اشخاص ثالث آگاه باشند.

ضمن آن که آگاهی یا عدم آگاهی سربازان وظیفه نسبت به انجام وظایف و ماموریت‌های محوله و نحوه جبران خسارت، در فرض تعدی و تفریط یا عدم آن در قبال اشخاص ثالث، از ابعاد مختلف قانونی و فقهی مورد بحث است، تا آن جایی که حقوق دانان و قضات محاکم نظامی در خصوص موضوع مسئولیت یا عدم مسئولیت سربازان وظیفه نسبت به اشخاص ثالث و تعلق دیه به بیت المال در فرض تقصیر آن‌ها در نحوه استفاده از این قبیل وسایل و تجهیزات نظامی و اعسار مقصر از جبران خسارت، دیدگاهها و نظرات متفاوتی را بیان و ارایه نموده‌اند.

*استادیار و عضو هیات علمی دانشکده حقوق واحد تهران مرکز

**دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی دانشکده حقوق واحد تهران مرکزی

اکثریت حقوق دانان و قضات محاکم نظامی براین دیدگاه نظر دارند که، شخص مقصر خودش باید دیه را بپردازد و پرداخت دیه در فرض تقصیر مامورین نظامی (عدم رعایت قوانین و مقررات) از بیت المال جایز نیست. اما اقلیت حقوق دانان و قضات محاکم نظامی در مخالفت با نظریه فوق بیان می‌دارند؛ در صورتی که قاتل معسر شناخته شود، به استناد ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی اقربای وی با رعایت قاعده "الاقرب فالاقرب" باید دیه را بپردازند و در صورتی که اقارب وی مالی نداشته باشند یا اگر فاقد اقارب متمکن باشند، دولت به قایم مقامی از عاقله، پرداخت دیه را به عهده می‌گیرد.

به همین منظور ما در این مقاله، به دنبال پاسخگویی به سئوالات و پیدا کردن رویه واحد براساس قوانین جزایی، مدنی و فقهی در خصوص موضوع مسئولیت یا عدم مسئولیت مدنی سربازان وظیفه در حوادث زیانبار ناشی از تیراندازی و تعلق دیه و خسارت به بیت المال در فرض تقصیر مامورین و اعسار آنها از جبران خسارت در قبال شخص یا اشخاص زیان دیده می‌باشیم.

این مقاله شامل سه مبحث است که در مبحث اول به تشریح شرایط تحقق مسئولیت مدنی سربازان وظیفه در حوادث زیان بار ناشی از تیراندازی در نیروهای مسلح پرداخته می‌شود.

در مبحث دوم شرایط معافیت یا رفع مسئولیت از سربازان وظیفه، در حوادث زیان بار ناشی از تیراندازی مورد بررسی قرار می‌گیرد و نهایتاً در مبحث سوم مسئولیت دولت در فرض تقصیر سربازان وظیفه در حوادث زیان بار ناشی از تیراندازی و اعسار آنها از جبران خسارت در قبال شخص یا اشخاص زیان دیده با توجه به اهمیت موضوع و با بررسی نظرات دیدگاههای مخالف و موافق، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث اول: شرایط تحقق مسئولیت مدنی ناشی از تیراندازی سربازان وظیفه

در این مبحث، شرایط لازم جهت تحقق مسئولیت مدنی، در حوادث زیان بار ناشی از تیراندازی مورد بررسی قرار می‌گیرد و مشتمل بر دو گفتار می‌باشد، گفتار اول تقصیر در تیراندازی و گفتار دوم رابطه سببیت بین خسارت وارده و فعل زیان بار، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: تقصیر در تیراندازی

هرگاه در حوادث زیان بار ناشی از تیراندازی، سربازان وظیفه در نحوه استفاده از سلاح، مطابق ماده ۱۶ قانون به کارگیری سلاح و ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مرتکب تقصیر شده باشند و این حادثه زیان بار (عدم رعایت قوانین و مقررات تیراندازی) منجر به فوت و صدمات جانی یا مالی به شخص یا اشخاص ثالث شده باشد، مامور مقصر نه تنها دارای مسئولیت کیفری می‌باشد؛ بلکه در صورت اثبات تقصیر وی، طبق رای محاکم صالح، مسئول جبران خسارت در قبال زیان دیدگان این حوادث نیز خواهد بود. لذا با توجه به اهمیت موضوع و نقش آن در حوادث زیان بار، ابتدا به مفهوم تقصیر و سپس به مصادیق و موارد مسئولیت یا عدم مسئولیت سربازان وظیفه در نحوه استفاده از سلاح در حین انجام ماموریت در نیروهای مسلح می‌پردازیم:

بند اول: مفهوم تقصیر

تقصیر در لغت به معنای سستی و کوتاهی کردن است.^۱ و معانی دیگر آن عبارتند از: باز ماندن از چیزی،

^۱ علیرضا، باریکلو، مسئولیت مدنی، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۴۵.

گذاشتن چیزی به علت نتوانستن، قصور و کوتاهی کردن می‌باشد.^۲ اما برای روشن شدن مفهوم تقصیر در اصطلاح حقوقی، ابتدا به برخی از تعاریف مطرح در خصوص تقصیر را بیان، سپس تعریفی جامع، از تقصیر ارائه می‌نماییم:

برخی از حقوق دانان در تعریف کوتاه از تقصیر بیان داشتند: تقصیری است که تجاوز از رفتاری است که انسانی متعارف در همان شرایط وقوع حادثه دارد.^۳ عده‌ای دیگر از حقوق دانان با الهام از دو ماده ۹۵۱ و ۹۵۳ ق.م.تقصیر را چنین تعریف کرده‌اند "انجام عملی که شخص نمی‌بایست مرتکب شود یا ترک عملی که می‌بایست انجام دهد." اما قانون گذار در مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ ق.م.اشعار می‌دارد: "تقصیر اعم است از تعدی و تفریط" برابر ماده ۹۵۱ ق.م.تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف، نسبت به مال یا حقوق دیگری" و ماده ۹۵۲ ق.م. نیز تفریط را چنین تعریف نموده است "تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است."^۴ هم چنین قانون گذار در تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی جدید، تقصیر را اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی دانسته است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها نیز حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی محسوب می‌شود.

بنابراین با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان اظهار نمود:

از نظر حقوقی به ترک عملی که شخص ملزم به انجام آن باشد یا ارتکاب عملی که شخص از انجام دادن آن منع شده باشد، را تقصیر می‌گویند.

بند دوم: موارد و مصادیق مسئولیت یا عدم مسئولیت سربازان در نحوه استفاده از سلاح

الف: تیراندازی مامورین به سوی متهمین و مجرمین پیاده

در نیروهای مسلح بر اساس قوانین و مقررات به کارگیری سلاح، مامورین در صورتی مجازند، از سلاح استفاده کنند که اولاً) چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند، به تعبیر دیگر در مواقع ضرورت از آن استفاده نمایند. ثانیاً) باید سعی نمایند، حتی الامکان قتلی واقع نشود، در بند ۲ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح، صراحتاً عنوان شده، در جریان دفاع در مقابل هجوم زمانی مامور می‌تواند از اسلحه استفاده نماید که اوضاع و احوال طوری می‌باشد که بدون به کارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد، هم چنین مطابق بند ۴ ماده ۳ قانون فوق تیراندازی به سوی سارق و قاطع الطریق و کسی که اقدام به ترور و انفجار و تخریب کرده زمانی صحیح است که اولاً) مطمئن باشند این عناوین به آن‌ها صدق می‌کند، یعنی به صرف مظنون شدن، مامور نمی‌تواند اقدام به تیراندازی نماید. نظریه‌ی شماره ۱۵۴۱۹ مورخه ۸۸/۰۴/۲۰ کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح موید همین نظر است.^۵ ثانیاً) اقدامات دیگر برای دستگیری و توقف افرادی که در حال فرار می‌باشند ثمر ندهد، یعنی اگر متهمین یا مجرمین ایستاده باشند به هیچ وجه حق تیراندازی برای مامورین وجود ندارد. در ضمن همین شرط برای متواریان از بازداشتگاه و زندان و در حال انتقال به زندان نیز وجود دارد. که به شرح ذیل می‌باشد:

^۲ مرتضی، قاسم زاده، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، نشر میزان، ۱۳۷۸، ص ۲۳.

^۳ ناصر، کاتوزیان، حقوق مدنی - وقایع حقوقی، چاپ یازدهم، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، ص ۶۷.

^۴ حسین، صفایی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، تعهدات و قراردادهای، نشر موسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۱، ص ۵۵۳.

^۵ حسین، صفایی، حبیب الله، رحیمی، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، نشر مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴.

^۶ بختیار، عباسلو، مسئولیت مدنی (با نگرش تطبیقی)، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰.

^۷ معاونت حقوقی و قضایی سازمان قضایی نیروهای مسلح، فصل نامه قضایی و حقوقی، شماره ۴۶، ۱۳۸۱، ص ۲۱۸.

۲-۱) با استفاده از امکانات موجود نسبت به تعقیب و دستگیری فرد متواری اقدام نمایند.

۲-۲) با صدای بلند و رسا سه مرتبه به فرد یا افراد متواری ایست بدهند.

۲-۳) با رعایت اطراف و جوانب به نحوی که به دیگران آسیب نرسد، اقدام به شلیک تیر هوایی نمایند.

۲-۴) در صورت عدم تاثیر اقدامات فوق، فرد متواری را از ناحیه کمر به پایین مورد هدف قرار دهند.

البته به موجب تبصره ۱ ماده ۲ آیین نامه مزبور، اگر اجرای موارد فوق ممکن نباشد، می توان تیراندازی کمر به پایین را بدون رعایت موارد فوق انجام داد؛ زیرا قانون گذار در تبصره ۳ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح با قید عبارت "در صورت امکان" رعایت مراتب تیراندازی هوایی، کمر به پایین و کمر به بالا را لازم ندانسته است. البته در صورتی که اوضاع و احوال اجازه ندهد، والا اصل بر رعایت این مراحل است.^۸ در ضمن یاد آور می شود قانون گذار بر حسب ماده ۷ قانون به کارگیری سلاح، مامورین را مکلف نموده است در صورت تیراندازی حتی المقدور پا را مورد هدف قرار بدهند و مراقبت نمایند که اقدام آن ها منجر به فوت یا صدمه و آسیب به شخص یا اشخاص ثالثی که دخیل در ماجرا نیستند نشود، در صورت بی احتیاطی در استفاده از سلاح و بروز جراحت یا صدمه، قانون گذار بر اساس قوانین و مقررات جزایی دو وظیفه مهم بر عهده مامورین قرار داده است. اولاً) آن ها را مکلف نموده است از حال مجروحین و مصدومین مراقبت و مواظبت نموده و در اولین فرصت آن ها را به مراکز درمانی برساند. (تبصره ماده ۷ قانون به کارگیری سلاح) ثانیاً) باید صحنه جرم را حفظ نموده و صورت جلسه موقوف را تنظیم و به امضاء حاضرین در صحنه رسانده و سریعاً موضوع را به فرمانده یا رییس خود گزارش نمایند (ماده ۱۸ آ.د.ک)، لذا در صورت عدم رعایت مقررات قانونی فوق، مامور متخلف علاوه بر مسئولیت کیفری دارای مسئولیت مدنی نیز خواهد بود؛ زیرا خودداری از مقررات قانونی فوق ضمن انجام وظیفه، از مصادیق بی احتیاطی است که موجب اضرار به دیگران (مصدومین و مجروحین) می شود از این رو برای آن ها ایجاد مسئولیت می کند.

ب: تیراندازی مامورین به سوی وسایط نقلیه

بر اساس ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح، تیراندازی به سوی وسایط نقلیه بایستی به منظور متوقف نمودن آن ها توسط مامورین موضوع این قانون صورت گیرد. پس چنان چه وسیله نقلیه در ترافیک یا در محل شلوغ متوقف شده یا حرکت کند داشته باشد، مامورین حق تیراندازی ندارند، نظریه ی شماره ۷/۳۴/۸۵/۳۳۰۸۴ مورخ ۸۵/۴/۱۷ کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح موید همین نظر می باشد. لذا بر حسب تبصره ۱ ماده ۶، مامورین موظفند که در ایستگاه های ایست و بازرسی وسایل هشدار دهنده اعم از موانع، تابلوی چراغ گردان و... به اندازه لازم تعبیه نمایند. این تبصره بیانگر آنست که تیراندازی به سمت وسیله نقلیه زمانی مجاز است که راننده ی وسیله نقلیه علی رغم ایست مامورین (مطابق قوانین و مقررات) از صحنه فرار نماید و به ایست مامورین توجهی ننماید و با اقدام خود موجبات تیراندازی را فراهم نماید. منظور قانون گذار از وسیله نقلیه در این ماده شامل هر نوع وسیله ای می باشد که خاصیت حمل و نقل انسان و کالا را داشته باشد. مانند گاری، ارابه، موتورسیکلت، درشکه، دلیجان و...^۹ و حتی چهارپایان را نیز شامل می شود؛ زیرا اگر غیر این بود، قید موتوری برای عبارت وسیله نقلیه ذکر می شد، در حالی که قانون گذار در این ماده به طور مطلق به وسیله نقلیه اشاره نموده است که شامل چارپا نیز می شود.^{۱۰} یاد آور

^۸ حسین، سید رضا، بررسی علمی و کاربردی مقررات به کارگیری سلاح، چاپ اول، نشر میزان، با همکاری اداره کل آموزش و پژوهش سازمان قضایی، ۱۳۹۲، ص ۵۰

^۹ محمد جعفری [جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۷۷۴.

^{۱۰} معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی، استعمال قضایی قضات سازمان قضایی، انتشارات پونه، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۵۲ و مالمیر،

می‌شود، معمولاً ایست و بازرسی در خارج شهرها و ورودی شهرها آبادی تعبیه می‌شود. البته ممکن است در برخی شرایط مثلاً در محل برگزاری نماز جمعه یا دیدارهای مردمی مسئولین رده بالا و... در داخل شهر نیز برای مدت کوتاه تعبیه شود. چنانچه ایست و بازرسی وجود نداشته باشد، مجوز تیراندازی وجود ندارد. باین اوصاف اغلب تیراندازی‌ها به سوی وسایل نقلیه در داخل شهر قابل توجه نیست و برای مامورین ایجاد مسئولیت می‌نماید. شرط مهم و اساسی دیگر در تیراندازی به سوی وسایل نقلیه این است که باید مطابق بند الف ماده ۶ قانون فوق‌الذکر، قراین و دلایل معتبریا اطلاعات موثق که معمولاً از طریق مرکز پیام اعلام می‌شود، بیان گراین باشد که، وسایل نقلیه حامل کالای قاچاق، اموال مسروقه، مواد مخدریا سلاح و مهمات غیر مجاز می‌باشیدا حامل افراد متواری است که دستور دستگیری آن‌ها از سوی قاضی صالح صادر شده است. مهمترین مطلبی که دراین موضوع قابل بحث است، این است که حسب مفاد قانون حتماً بایستی مامورین قبل از شروع به تعقیب بر حسب قراین و دلایل معتبریا اطلاعات موثق علم به این داشته باشند که خودرو مسروقه است یا حامل افراد متواری یا مواد مخدر و... است وگرنه اقدام به تعقیب و تیراندازی برخلاف قوانین و مقررات مطابق ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و ماده ۱۶ قانون به کارگیری سلاح موجب مسئولیت کیفری و مدنی مامورین خواهد شد. اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه نیز براین نظر صحه گذاشته است^{۱۱}. به عنوان مثال به مامورین اعلام شده، فردی در ماه رمضان با خودروی شخصی در بوستان داخل شهر توقف کرده و احتمالاً قصد روزه‌خواری دارد، مامورین به محل اعزام و از راننده مدارک مطالبه می‌نمایند راننده حاضر به ارایه مدارک نشده و با خودرو متواری می‌شود تعقیب و گریز شروع و نهایتاً خودرو درترافیک سنگین متوقف می‌شود، مامور در حالتی که خودروایستاده بود، چرخهای خودرو را مورد هدف قرار می‌دهد، که تیراندازی‌های مکرر نهایتاً با مرگ راننده خاتمه می‌یابد، در بازرسی از اتومبیل مقتول، مقادیری تریاک از ماشین وی کشف می‌شود. همان طوریکه مشخص است از بدو موضوع، خودروایستاده بوده و راننده صرفاً مدارک ارایه نداده است باین اوصاف مجوزی برای تیراندازی مامورین وجود نداشته است و مامور از وجود مواد مخدر هم نه تنها اطلاع نداشته؛ بلکه ظن وجود مواد مخدر در خودرو را هم نداشته است؛ لذا اقدام مامور کاملاً خلاف قوانین و مقررات قانون به کارگیری سلاح صورت گرفته است و مطابق ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و ماده ۱۶ قانون به کارگیری سلاح در قبال زیان دیده مسئول می‌باشد. نهایتاً این که مامورین زمانی حق تیراندازی به سوی وسایل نقلیه را دارند که مطابق تبصره ۲ ماده ۶ همین قانون، بدو با صدای بلند و رسا به راننده‌ایست داده باشند و راننده به اخطار آن‌ها توجه ننماید، اخطارایست حتماً بایستی از سوی راننده شنیده شود؛ زیرا احتمال عدم التفات وی وجود دارد یا ممکن است راننده احیاناً کریا ناشنوا باشد به گونه‌ای که هشدار مامور به وی نرسد، دراین صورت و در فرض خسارت یا جراحت در اثر تیراندازی، مامور متخلف مسئول و ضامن جبران خسارت به اشخاص ثالث خواهد بود؛ به دلیل این که مامور وظیفه‌اش را به درستی آن جام نداده است؛ اما اگر مامورین کلیه قوانین و مقررات مربوط به تیراندازی را رعایت نموده باشند ولی راننده توجهی به ایست مامورین ننماید دراین صورت راننده به علت تسبیب در جنایت مقصر و ضامن دیه مجروحین یا مقتولین خواهد بود.^{۱۲} در همین خصوص مقام معظم

محمود، شرح قانون جرایم نیروهای مسلح، چاپ سوم، نشر دادگستر، ۱۳۸۹، ص ۹۸

^{۱۱}. نظریه‌ی مشورتی اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه، رای شماره ۷/۱۹۰۷ مورخ ۱۳۸۷/۴/۳ "مامورین نیروی انتظامی قانوناً مجاز نیستند به طرف راننده یا سرنشینان اتومبیلی که اعلام شده حامل کالای قاچاق است تیراندازی نمایند در این موارد فقط می‌توانند با رعایت مقررات بند الف ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح در موارد ضروری به سوی وسیله نقلیه به منظور متوقف ساختن آن تیراندازی نمایند."

^{۱۲}. محمود، مالیر، همان، ص ۹۷.

رهبری در پاسخ به استفتایی به شماره ۱۲/۲۲/۶۸۸/۷۲ مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۰ فرموده‌اند: اگر مأمور مربوطه اعلام‌ایست نماید، به نحوی که قابل شنیدن باشد (تبصره ۲ ماده ۶ ق به کارگیری سلاح) و مأمور در تیراندازی تعدی و تفریط نکرده باشد، معلوم نیست، ضامن باشد و دولت نیز در فرض مرقوم معلوم نیست ضامن باشد. راننده‌ای که به دستورایست توجه ننموده و می‌دانسته و یا احتمال می‌داده که به سوی وی تیراندازی می‌شود، ضامن است و اگر سرنشینان بدون اطلاع از جریان، سوار اتومبیل شده‌اند، حق مراجعه به راننده را به عنوان سبب خسارت یا جراحت^{۱۳} به استناد مواد ۵۰۵ و ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی دارند؛ زیرا در این فرض راننده سبب اقوی و عمل وی عدوانی بوده است، ولی تیراندازی از سوی مامورین غیر عدوانی بوده است، لذا راننده مقصر، مسئول پرداخت دیه به زیان دیدگان این حوادث خواهد بود^{۱۴}.

ج: تیراندازی مامورین در ناآرامی‌های مسلحانه و غیر مسلحانه

اگر ناآرامی حادث شده مطابق ماده ۵ قانون به کارگیری سلاح مسلحانه باشد، مامورین بایستی به دستور فرمانده عملیات و بدون تعلل و با رعایت شرایط قانونی، نسبت به برقراری نظم و امنیت، خلع سلاح شورشیان و دستگیری و معرفی آنان به مراجع قضایی اقدام نموده و از گسترش ناآرامی‌ها جلوگیری نمایند. هدف مقنن از تجویز به کارگیری سلاح در این ماده، کشتن افراد حاضر در راهپیمایی‌های مسلحانه نیست؛ بلکه هدف اعاده نظم و امنیت و خلع سلاح شورشیان می‌باشد، لذا اگر شرکت کنندگان در شورش بدوا خود را تسلیم نمایند، نیازی به کارگیری سلاح توسط مامورین نمی‌باشد، اما اگر هدف مقنن (اعاده نظم و امنیت) بدون به کارگیری سلاح محقق نشود، مامورین موظفند بدون تعلل و با دستور فرمانده عملیات و با رعایت سایر شرایط قانونی به افراد مسلح تیراندازی نموده و با قدرت و قوت آن را سرکوب نمایند، کشته شدن مهاجمین نه تنها ایرادی ندارد، بلکه از افتخارات مامورین محسوب خواهد شد. لازم به ذکر است در این قضیه مطابق قوانین و مقررات به کارگیری سلاح مامورین در صورتی از مسئولیت مبرا می‌باشند که اولاً) قبل از به کارگیری سلاح، از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده نموده، ولی موثر واقع نشده باشد. به عنوان مثال از گازهای اشک آور، ماشین آب پاش، آتش نشانی و ... استفاده شده باشد، ولی تاثیری در بازگرداندن نظم و امنیت نداشته باشد. ثانیاً) قبلاً در خصوص به کارگیری سلاح با اخلال گران اتمام حجت انجام شده باشد، ولی تاثیری در مهار آشوب‌ها و ناآرامی نداشته باشد. در ضمن مامورانی که در انجام چنین ماموریت‌های حساسی استفاده می‌شوند، باید آموزش‌های لازم را دیده باشند لذا بر طبق ماده ۹ قانون فوق، مامورانی که آموزش کافی در مورد سلاحی که در اختیار دارند، ندیده باشند بایستی مراتب را به صورت کتبی به فرمانده خود اطلاع دهند در صورتی که فرمانده بر اجرای ماموریت تاکید نماید و اقدام مامور در حدود دستور فرمانده باشد و موجبات اخلال در نظم را فراهم آورد، فرمانده مسئول عواقب ناشی از عملکرد مامورین خواهد بود.

اما در خصوص ناآرامی‌های غیر مسلحانه مطابق ماده ۴ قانون به کارگیری سلاح، "مامورین انتظامی برای اعاده نظم و کنترل راهپیمایی‌های غیر قانونی، فرو نشانیدن شورش و بلوا و ناآرامی‌هایی که بدون به کارگیری سلاح مهار آن‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد، حق به کارگیری سلاح را به دستور فرمانده عملیات، در صورت تحقق شرایط زیر دارند: اولاً) قبلاً از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد.

^{۱۳}. معاونت حقوقی و قضایی سازمان نیروهای مسلح، پرسش‌های قضایی، حقوقی و نظریه‌های مشورتی سازمان قضایی نیروهای مسلح، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵.

^{۱۴}. معاونت حقوقی و قضایی سازمان قضایی نیروهای مسلح، مجموعه نشست‌های قضایی، جلد دوم، چاپ اول، چاپ نگین، ۱۳۸۷، ص ۳۱.

ثانیاً) قبل از به کار گیری سلاح با اخلاصگران و شورشیان نسبت به به کار گیری سلاح اتمام حجت شده باشد." همان طوری که مشاهده می شود هدف مقنن در ماده ۴ صرفاً اعاده نظم، کنترل راهپیمایی های غیرقانونی، فرو نشاندن شورش و بلوا و ناآرامی ها است، لذا اگر بتوان بدون به کارگیری سلاح به این اهداف رسید، حق استفاده از سلاح برای مامورین به وجود نخواهد آمد. مثلاً اگر با اخطار دادن یا گازهای اشک آوریا ماشین آب پاش بتوان جمعیت را متفرق نمود حق استفاده از سلاح برای مامورین وجود نخواهد داشت، در صورت به کارگیری سلاح مامورین متخلف مسئول و ضامن جبران خسارت خواهند بود.

لازم به یاد آوری است که تشخیص ناآرامی ها در ماده ۴ قانون به کارگیری سلاح، حسب مورد بر عهده رییس شورای تأمین استان ویا شهرستان و در غیاب هر یک بر عهده معاونان آنان خواهد بود نه مامورین. مامورین فقط مکلفند به استناد ماده ۳۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوبات شورای تأمین استان ها و شهرستان را اجرا نمایند، در غیراین صورت مجرم محسوب و مستوجب کیفر خواهند بود.^{۱۵}

گفتار دوم: رابطه‌ی سببیت بین تقصیر و حادثه زیان بار

برای تحقق مسئولیت مدنی تنها وجود خسارت و فعل زیان بار کفایت نمی کند؛ بلکه باید رابطه‌ی سببیت یا علیت بین خسارت وارده و فعل زیان بار وجود داشته باشد. عدالت ایجاب می کند، کسی که زیانی را ایجاد نکرده است مسئول نباشد. در همین زمینه قانون گذار در ماده ۱ ق.م.ا با عبارت "... مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد." براین نظر صحه می گذارد.^{۱۶} پس زیان دیده برای مطالبه خسارت، باید اثبات نماید، که رابطه سببیت بین عمل خوانده و خسارت وارده وجود داشته است. پس اکنون ملاحظه نماییم که در حقوق منظور از سببیت چیست و لزوم احراز رابطه سببیت در مسئولیت سربازان چه تاثیری دارد.

بند اول: مفهوم سببیت

سبب در لغت به معنای ابزار کار، راه و وسیله آمده است، در مفهوم عرفی هنگامی که گفته می شود سبب این کار چیست در واقع علت آن کار، مورد پرسش قرار گرفته است.^{۱۷} مقصود از رابطه سببیت، ارتباط عرفی دخالت مادی شخص با حادثه زیان بار است. در واقع ارتباط مادی شخص در حادثه زیان بار شرط لازم می باشد، ولی شرط کافی نمی باشد؛ بلکه علاوه بر آن ارتباط شخص با حادثه زیان بار از نظر عرفی یا حقوقی نیز لازم است.^{۱۸} به عبارت دیگر پدید آمدن زیان به دنبال تقصیر شخص کافی برای احراز رابطه سببیت نیست، بلکه باید ثابت شود که تقصیر علت فاعلی و پدید آورنده زیان بوده و بدون آن خسارت به بار نمی آمده است.

به عنوان مثال، سرباز وظیفه‌ای در انجام مقررات ایست و بازرسی بدون رعایت قوانین ومقررات ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح، به ماشینی اعلام ایست می نماید، ولی راننده با بی توجهی سعی می نماید از معرکه فرار نماید، که این امر منجر به تیراندازی و نهایتاً مورد اصابت قرار گرفتن تیر به لاستیک خودرو و انحراف آن از جاده و آسیب

^{۱۵}. "هریک از فرماندهان و مسئولان نظامی یا انتظامی که برحسب مورد مصوبات شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین استان و شهرستان را در مواردی که طبق قانون موظف به اجرای آن می باشند اجراکنند، چنان چه مشمول مجازات محاربه نباشد یا به موجب سایر قوانین مستوجب مجازات شدیدتری نگردند به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می شوند."

^{۱۶}. حسین صفایی، رحیمی، حبیب ا...، همان، ص ۱۹۳.

^{۱۷}. مهراب، داراب پور، مسئولیت خارج از قرارداد، جلد دوم، انتشارات مجد، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷.

^{۱۸}. بختیار، عباسلو، همان، ص ۱۹۱.

دیدگی شدید به شخص یا اشخاصی که در وسیله نقلیه حضور داشتند می‌شود، در این مورد سربازی که بدون توجه به قوانین و مقررات به کارگیری سلاح، عمل نموده است، مسئول و ضامن جبران خسارت در قبال شخص یا اشخاص مصدوم خواهد بود؛ زیرا بین عمل تیرانداز و حادثه زیان بار رابطه‌ی سببیت وجود دارد.

بند دوم: لزوم احراز رابطه‌ی سببیت

برای تحقق مسئولیت، باید احراز شود که بین ضرر و فعل زیان بار رابطه‌ی سببیت وجود دارد، یعنی ضرر از آن فعل، ناشی شده باشد. این احراز رابطه‌ی علیت بین دو پدیده موجود، یعنی فعل زیان بار و ضرر است. اصولاً در مواردی که تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست، رابطه سببیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و اثبات وجود آن دشوارتر می‌شود.

برای این که حادثه‌ای سبب محسوب شود، باید آن حادثه در زمره شرایط ضروری تحقق ضرر باشد، یعنی باید احراز شود که بدون آن، ضرر واقع نمی‌شد.^{۱۹}

لزوم برقراری رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر در حادثه ناشی از تیراندازی از آن جهت حایز اهمیت است که گاه اسباب متعددی در ورود ضرر دخالت دارند. که تعیین سبب موثر مشکل می‌باشد.

به عنوان مثال، فرض کنید راننده‌ای در اثر تیراندازی مامورین مجروح می‌شود و در بیمارستان پس از عمل جراحی فوت می‌نماید. در این حادثه عوامل متعدد ممکن است در مرگ وی دخالت داشته باشند، از قبیل عدم توجه راننده به ایست مامورین، عدم رعایت قوانین و مقررات به کارگیری سلاح از سوی تیرانداز، دستور تیراندازی از سوی فرمانده، تاخیر در ارائه کمک‌های اولیه، عدم مهارت پزشک، حال سؤال این است کدام یک از این عوامل را باید سبب موثر و واقعی در ایراد خسارت دانست و مسئولیت جبران خسارت به عهده کیست؟
برای تعیین سبب مسئول در حوزه مسئولیت مدنی نظریه‌های گوناگونی طرح و ارائه شده است که به چهار نظریه در پاسخ به این سؤال پرداخته می‌شود:

الف) نظریه برابری اسباب

بر اساس این نظریه همه اسباب و شرایطی که موجبات ورود زیان را فراهم کرده‌اند، بایکدیگر برابرند؛ زیرا بنا به فرض، هیچ‌یک از آن‌ها به تنهایی قادر به ایراد خسارت نمی‌باشد و وجود همه برای به وجود آمدن ضرر لازم و ضروری است.^{۲۰}

ب) نظریه سبب نزدیک یا آخرین سبب

این نظریه، قدیمی‌ترین و ساده‌ترین نظریه‌ای است که برای تشخیص سبب مسئول ارائه شده است. طبق این نظریه، آخرین و یا نزدیک‌ترین سبب به وقوع حادثه زیان بار که حادثه بلافاصله پس از آن به وقوع پیوسته است مقصر می‌باشد و اسباب دورتر فراموش می‌شود.^{۲۱}

ج) نظریه سبب مقدم در تاثیر

بر مبنای این نظریه، هرگاه چند عمل و حادثه، موجب ورود ضرر به دیگری شوند باید عمل و حادثه‌ای را سبب

^{۱۹}. فضل الله، دالوند، تقسیم مسئولیت مدنی، چاپ اول، انتشارات دادیار، ۱۳۸۶، صص ۲۲ و ۲۴.

^{۲۰}. سید حسین صفایی، رحیمی، حبیب ا...، همان، ص ۱۹۵.

^{۲۱}. ناصر، کاتوزیان، همان، ص ۸۵.

اصلی تلقی نمود که تاثیر آن در ایجاد ضرر از حیث زمانی زودتر و مقدم بر سایر حوادث است.^{۲۲}

(د) سبب متعارف یا اصلی

بر طبق این نظریه، تمامی شرایط و حوادثی که به ضرر منتهی می‌شوند، در زمره اسباب قرار نمی‌گیرند؛ بلکه فقط عاملی سبب نامیده می‌شود، که به طور متعارف منجر به ورود ضرر شده است. حقوق دانان و استادان در انتخاب سبب مسئول به نتیجه‌ای واحد نرسیده‌اند و گفته‌اند: این کاوش قاعده نمی‌پذیرد و دادرس باید در هر مورد خاص و با توجه به اوضاع و احوالی که حادثه زیان بار را احاطه کرده است، داوری کند. اما به طور کلی می‌توان گفت عامل مهم و اساسی در تعیین سبب مسئول انتساب عرفی ضرر به ایجاد کننده آن است. در مثال فوق عدم رعایت مقررات به کارگیری سلاح از سوی تیرانداز، سبب متعارف و اصلی می‌باشد و تیرانداز مسئول جبران خسارت در قبال زیان دیده می‌باشد.

مبحث دوم: شرایط معافیت یا رفع مسئولیت ناشی از تیراندازی سربازان وظیفه

منظور از عوامل معافیت یا رفع مسئولیت، عوامل و اسبابی می‌باشند، که علی‌رغم وجود خسارت و ضرر و احراز رابطه سببیت، فعل زیان بار را توجیه نموده و صفت تقصیر را از آن دور می‌کند و مسئولیت را از عهده عامل آن بر می‌دارد و به آن‌ها صفت قانونی می‌دهد. به عبارت دیگر در این گونه موارد با در نظر گرفتن طبیعت کار انجام شده یا به دلیل حکم قانون، فعلی را که به وقوع پیوسته است را نمی‌توان نامشروع نامید یا آن را تقصیر شمرد. به همین جهت نیز مرتکب آن قابل سرزنش نیست و جبران خسارت از وی خواسته نمی‌شود.^{۲۳}

در حقوق ما علل و عوامل معافیت یا رفع مسئولیت سربازان وظیفه در حوادث زیان بار ناشی از تیراندازی عبارتند از: حکم قانون، امر آمر قانونی، دفاع مشروع، تحذیر.

گفتار اول: حکم قانون

هرگاه سرباز یا مأموری به حکم قانون یا به عنوان ضابط دادگستری به دیگری زیانی وارد نماید، مسئولیتی نخواهد داشت. مثلاً هرگاه مأمورین وظیفه در ایستگاه‌های ایست و بازرسی مطابق بند الف ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح، به خودرویی که حامل کالای قاچاق می‌باشد اعلام‌ایست نمایند، ولی راننده بدون توجه به ایست مأموران متواری، که بر اثر تیراندازی قانونی مأموران راننده کشته می‌شود، مأمور در این مورد مسئولیتی نخواهد داشت.^{۲۴} زیرا ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی با عبارت "بدون مجوز قانونی" به نکته اشاره دارد، اما اگر فعل مأمور با مجوز قانونی یا به حکم قانون باشد، تقصیر به شمار نمی‌آید و موجب مسئولیت مدنی نخواهد بود.^{۲۵} با توجه به نکات بیان شده باید اظهار نمود، سربازان در صورت جمیع شرایط ذیل از مسئولیت کیفری و مدنی معاف می‌باشند:

۱- قانون باید معتبر و قابلیت اجرایی داشته باشد پس اگر مأمور به استناد قوانین و مقررات منسوخ یا مبهم و مجمل تا قبل از رفع ابهام از سوی مرجع صالح، اقدامات زیان باری را علیه دیگران انجام دهد، مسئولیت و عواقب آن به عهده وی خواهد بود.

^{۲۲} . علیرضا، باریکلو، همان، ص ۱۳۹.

^{۲۳} . ناصر، کاتوزیان، همان، ص ۵۷.

^{۲۴} . مجموعه نشست‌های قضایی و حقوقی سازمان قضایی، همان، صص ۲۱۵ و ۲۱۷.

^{۲۵} . حسین، صفایی، رحیمی، حبیب‌ا...، همان، ص ۱۷۱.

۲- اجرای قانون زمانی موجب برطرف شدن مسئولیت خواهد بود که مرجع صالح یا مقام صالح آن را اجرا نماید.

۳- آیین نامه اجرایی و دستورالعمل‌های اداری در صورتی که از قوانین نشأت گرفته باشند و تصویب کننده آن‌ها مرجع ذی صلاح باشند نیز در حکم قانونند و اجرای صحیح آن‌ها برای مأمور مسئولیتی ایجاد نمی‌کند؛ به شرط این که دستور از مقامات صالح قانونی صادر شده باشد.

بنابراین اجرای دستور مقام غیر صالح یا اجرای دستور غیر قانونی مقام صالح، مسئولیت را برطرف نمی‌کند. بعضی از حقوق دانان اظهار داشتند: برای تشخیص این که دستور قانونی است یا نه لازم است مأمور با حسن نیت به مشروعیت فعل اعتقاد داشته و پس از تفحص و جستجو و تلاش متعارف در این که آیا فعل قانونی است یا نه اقدام کند، هرگاه بر اساس ضوابط معقول به این نتیجه رسید که دستور قانونی است، می‌تواند آن را اجرا کند. باید دانست که این قاعده فقط در مسایل مربوط به حقوق مدنی و مسئولیت مدنی جاری است در حوزه حقوق جزا، جهل به قانون رفع مسئولیت نمی‌شود و حسن نیت مأمور نیز مسئولیت او را منتفی نمی‌سازد.^{۲۶} در حقوق ایران به حکم ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی اشتباه قابل قبول مأمور، مسئولیت مدنی او را برطرف نمی‌کند؛ بلکه اگر مأمور به تصویر این که امر قانونی بوده است اشتباه قابل قبولی مرتکب شده باشد، مسئولیت کیفری نخواهد داشت.

گفتار دوم: امر آمر قانونی

دستور مقامات صالح قانونی در حکم قانون است و موجب می‌شود؛ فعل آن جام شده در راستای اجرای دستور، تقصیر محسوب نگردد.^{۲۷} البته صرف اجازه انجام دادن یک عمل از جانب مافوق نمی‌تواند رافع مسئولیت مأمور باشد و دستور مافوق در صورتی موجب رفع مسئولیت می‌شود که اولاً) بر خلاف قوانین و مقررات نباشد ثانیاً) دستور از ناحیه آمر قانونی یا مقامی که صلاحیت قانونی صدور را داشته، صادر شود ثالثاً) مأمور بایستی در چارچوب وظایف و تکالیف اداری مکلف به اجرای دستور باشد یا برحسب قوانین و مقررات بر عهده او گذاشته شده باشد رابعاً) باید بین مأمور و آمر سلسله مراتب اداری حاکم باشد. لذا اگر میان مافوق و مادون یا رییس و مرئوس رابطه اداری نباشد، فعلیت امر آمر محقق نخواهد شد و در صورت انجام فعل و وقوع بزه، آمر و مأمور هر دو مسئول می‌باشند. اما اگر دستور مافوق خلاف قوانین و مقررات باشد و مأمور توان مخالفت و مقاومت در برابر آن را نداشته باشد؛ در این صورت می‌توان امر آمر قانونی را رافع تقصیر تلقی کرد. زیرا عرفاً آمر مطابق ماده ۳۳۲ قانون مدنی سبب اقوی از مباشر محسوب می‌شود و ضرر به وجود آمده، منتسب به آمر است و مأمور که اشتباهی قابل قبول مرتکب شده است، تقصیری ندارد.^{۲۸}

اما سئوالی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که، آیا دستور مقام مافوق، رافع مسئولیت مدنی سربازان می‌باشد، در صورت ایراد خسارت چه کسی ضامن است؟

در رابطه با نحوه اطاعت مأمور از آمر و مسئولیت و کیفر آن‌ها در صورت وقوع جرم سه نظریه اطاعت محض، مسئولیت سرنیزه آگاه و نظریه رعایت ظواهر قانونی مطرح شده است، در نظریه اطاعت محض^{۲۹} مأمور مکلف به

^{۲۶} حسین عامر، المسئولیه المدنیة التقصیریة و العقادیة، مطبعة مصر شركة مساهمة مصریه، الطبعة الاولى، ۱۹۵۶م، ۱۳۷۶ه.ق، ص ۱۱۳

^{۲۷} حسین صفایی، حبیب ا... رحیمی، پیشین، ص ۱۷۱.

^{۲۸} همان، ص ۱۷۱.

^{۲۹} سید رضا، حسینی، همان، ص ۴۳.

اجرای دستور صادره از سوی مقام مافوق می‌باشد و حق چون و چرا ندارد. در این نظریه مامور به منزله وسیله، در اختیار امر قرار گرفته است، به تعبیر دیگر در این نظریه استبداد مافوق حاکم می‌باشد. در نظریه دوم مامور می‌تواند دستورات صادره را با قانون مطابقت داده و در صورت غیر قانونی تشخیص دادن آن‌ها، از اجرا سر باز زند اگر اجرا نماید، خود مسئول می‌باشد.^{۳۰} اما قانون مجازات اسلامی برابر ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی نظریه رعایت ظواهر قانونی را برگزیده است که به موجب آن باید میان امر غیر قانونی آشکار و امر به ظاهر قانونی قایل به تفکیک شد؛ بدین صورت که چنان چه مامور امر آمر را که، غیر قانونی بودن آن محرز و آشکار است، به مورد اجرا گذارد، عمل وی جرم و مستوجب مجازات خواهد بود، بدین ترتیب قسمت اول ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی در مقام تعیین کیفر قانونی برای امر غیر قانونی و ماموری است که از طریق اجرای امر غیر قانونی مرتکب جرم گردیده است، ولی قسمت اخیر ماده مزبور در مقام دیه و یا ضمان مالی به جای کیفر تعزیر و قصاص برای مأموری است که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصویر این که قانونی بوده و به مورد اجرا گذارده است. بدین ترتیب با تشخیص و احراز حسن نیت مأمور می‌توان موضوع قسمت اخیر ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی را از موارد اشتباه در حکم قانون دانست که نتیجه آن سقوط مجازات و استقرار مسئولیت مدنی از جهت دیه (علی رغم ماهیت جزایی آن) و ضمان مالی است. نتیجه این که اجرای اوامر غیر قانونی به وسیله مامور براساس اشتباه قابل قبول از طریق وی، از عوامل موجهه جرم موضوع بند پ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مورد بحث تلقی نمی‌شود، بلکه موضوع اشتباه در حکم قانون به دلیل فقدان عنصر معنوی در جرم ارتكابی است که نهایتاً موجب تحقق مسوولیت مدنی مأمور در قالب دیه یا ضمان مالی موضوع اخیر ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی می‌باشد.^{۳۱}

گفتار سوم: دفاع مشروع

طبق بندهای ۳ و ۵ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی، یکی از وظایف اصلی نیروی انتظامی و دیگر نیروهای امنیتی کشور ممانعت و جلوگیری از هر گونه تشکل و راهپیمایی و اجتماع غیرمجاز و مقابله با اغتشاش، بی نظمی و فعالیت‌های غیر مجاز و حراست از اماکن، تاسیسات، تجهیزات و تسهیلات طبقه بندی شده غیر نظامی و حفظ حریم به استثنای موارد حساس و حیاتی که به تشخیص شورای عالی امنیت ملی به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود. در اجرای این وظایف و در وهله اول نیروهای مامور طبیعتاً نیاز به استفاده از برخورد سخت و قاطع نخواهند داشت و تنها حفظ امنیت و مواظبت از تاسیسات و اماکن را به عهده دارند (هرچند به خودی خود تجمع غیر قانونی بدون هرگونه آشوب و اغتشاش نیز قابل پیگیری قضایی است و ضابطین قضایی قانوناً حق برخورد و حتی دستگیری خواهند داشت). اما در مواردی که اقدام آشوبگران فراتر از اقدام نرم و شعار رفته و مرتکب اعمالی چون استفاده از سنگ و آتش زدن اموال عمومی و بانکها و حتی ضرب و شتم نیروهای امنیتی می‌شوند، نیروهای امنیتی مسلماً در دفاع از اموال مردم و بیت‌المال و خود طبق قاعده مسلم حقوقی و فقهی دفاع مشروع و در چارچوب ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی^{۳۲} و ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی^{۳۳} حق برخورد، تیراندازی

۳۰. هوشنگ، شامبیاتی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر پازنگ، تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۹۷.

۳۱. سید رضا، حسینی، همان، ص ۴۴.

۳۲. طبق ماده ۱۵۶ ق.م.ا "هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

و حتی ضرب و شتم را خواهند داشت. بنابراین در هر مورد که مأموران در اجرای وظایف قانونی خود و دفاع از جان، مال، ناموس مردم، اموال عمومی و یا جان و مال خود و در حد ضرورت، تناسب، فعلیت و غیرقانونی بودن خطر از خود و یا دیگران اقدام به تیراندازی با رعایت شرایط و مقررات قانون به کارگیری سلاح نمایند، دارای مسئولیت نخواهند بود. از طرف دیگر عمل متقابل یعنی مقاومت در برابر نیروهای انتظامی و دیگر ضابطین دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه هستند طبق ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی دفاع محسوب نخواهد شد. ایستادگی و ممانعت از انجام وظیفه و یا حمله به مأمورین از مصادیق مقاومت در برابر آنان است؛ مگر این که مأمورین از حدود وظایف قانونی خود خارج شوند و بر حسب شواهد و قراین خوف آن باشد که عملیات آن‌ها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا مال گردد که در این صورت دفاع در مقابل آن‌ها نیز جایز خواهد بود. هم چنین طبق ماده ۱۲ آئین نامه اجرایی حمایت قضایی از بسیج مصوب خرداد ماه ۱۳۷۲ نیز مقرر شده است، در صورتی که متهمین، به دستور و تذکر دارندگان مجاز در حین انجام وظیفه توجه نکرده و یا با توهین و ایراد ضرب و شتم و جرح علیه آن‌ها برخورد کنند، عمل آن‌ها در حکم توهین و مقابله با ضابطین دادگستری و مأمورین دولتی و انتظامی می‌باشد. برخورد مأموران دولتی نیز تنها زمانی جایز خواهد بود که هم چنان خطر مالی و جانی برای خود و یا دیگران و یا اموال عمومی و بیت المال احساس نمایند و به محض برطرف شدن این حالت، که معیاری عرفی و منطقی دارد، هرگونه عمل و برخورد غیر قانونی از جانب آنان قابل پیگرد و مجازات خواهد بود.

گفتار چهارم: تحذیر

تحذیر در لغت به معنای بیم دادن، ترسانیدن، برحذر داشتن و کسی را متوجه امری ساختن می‌باشد و در اصطلاح حقوقی به مواردی اطلاق می‌شود که به کسی قبل از انجام دادن کاری یا فعلی هشدار داده شود، ولی شنونده به هشدار او توجه ننماید و به علت آن کار، جنایتی به نامبرده وارد شود، در این صورت هشدار دهنده مسئولیتی نخواهد داشت.^{۳۴} البته خصوصیتی در جنایت نیست و می‌توان آن را شامل زیان دانست و هم چنین شنونده را می‌توان شامل بیننده دانست؛ زیرا هشدار ممکن است دیداری باشد. قاعده «تحذیر» برگرفته از حدیث «قد عذر من حذر» بدین معنی که "کسی که هشدار می‌دهد، معذور است". این روایت منسوب به امام صادق (علیه السلام) است که ایشان آن را از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده است، بر اساس قاعده مذکور، اگر کسی پیش از اقدام به کاری که احتمال دارد از رهگذر اعمال آن، خطری متوجه دیگری گردد، هشدار دهد؛ با وجود این، مخاطب یا شنونده به هشدار وی بی توجهی کند و ترتیب اثر ندهد و خود را در معرض خطر قرار دهد و در نتیجه فعل هشدار دهنده، خسارتی به هشدار شونده وارد آید، هشدار دهنده مسئولیتی نخواهد داشت. برای این که تحذیر موجب رفع ضمان گردد باید متضمن شرایطی باشد، در این خصوص شهید دوم در مسالک الافهام در این باره چنین فرموده است:

ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.^{۳۳}

^{۳۳}. ماده ۱۵ ق.م.م "کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعدی شود، مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد."^{۳۴}

^{۳۴}. سید مصطفی، محقق داماد، قواعد فقه، بخش مدنی ۲، چاپ نهم، نشر مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۵

انما ینفی الضمان علی الرامی مع التحذیر حیث یسمع المرمی و یمکنه الحذر، فلو لم یسمع، اولم یمکنه، فالدیة علی عاقله الرامی لانه خطاء محض

یعنی ضمان وقتی برعهده رامی قرار نمی‌گیرد که هشدار بدهد به گونه‌ای که مرمی آن را بشنود و قدرت بر فرار از حادثه داشته باشد پس اگر مرمی صدای رامی را نشنید و یا امکان فرار و دور شدن از صحنه خطر را نداشت، دیه بر عاقله رامی است.^{۳۵}

عناصر لازم برای رفع مسئولیت تیرانداز به قرار زیر است:

اول هشدار مؤثر: رامی باید به نحو مؤثر هشدار و اعلام خطر را به سمع کسانی که در معرض خطر هستند، با هر وسیله ممکن برساند، آشکار است که این اعلام خطر با توجه به مکان و موضوع خطر آفرین متفاوت خواهد بود ولیکن این هشدار باید به گونه‌ای باشد که در صورت لزوم، هشدار دهنده بتواند ثابت کند که در حد متعارف هشدار لازم را داده است و برای محکمه هم با توجه به عرف متعارف در خصوص موضوع خاصی که نسبت به آن مرافعه شده است قابل قبول باشد که اعلام خطر انجام گرفته است.^{۳۶} در همین خصوص می‌توان به مواد ۳ و بند ب ماده ۴ و تبصره اول ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح و تبصره اول ماده ۵۰۸ استناد نمود.

دوم وصول هشدار به خسارت دیده: باید هشدار مامور را خسارت دیده بشنود، یعنی چنان چه مرمی احیاناً کر و ناشنوا باشد یا صداهای دیگر چنان در محیط پیچیده باشد که بر صدای هشدار دهنده غالب بوده و مانع رسیدن هشدار وی به مخاطبین باشد یا صدای هشدار دهنده نارسا و مبهم باشد به گونه‌ای که نتواند هشدار خود را صریح و آشکار به دیگران برساند و به همین دلیل هشدار وی به مجنی علیه نرسیده باشد و موارد دیگری از این قبیل که مانع رسیدن هشدار، به مخاطب خود باشد، ضمان رامی را زایل نکرده و مسئولیت به عهده او باقی خواهد ماند. در این مورد می‌توان به تبصره ۲ ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح استناد نمود.^{۳۷}

به عنوان نمونه در فرض مورد بحث، عامل زیان به زیان دیده اعلام کرده است که بایستد و گرنه لاستیک وسیله نقلیه را مورد هدف قرار خواهد داد باین احتمال که چون وسیله در حال حرکت است ممکن است به شخص وی نیز گلوله اصابت کند و چون زیان دیده علی رغم هشدار و اعلام خطر به حرکت خود ادامه داده است بنابراین مسئولیتی به عهده عامل زیان نخواهد بود. شعبه ۲۶ دیوانعالی کشور طی دادنامه‌ی شماره‌ی ۱۹۱۶ مورخ ۱۳۶۷/۴/۱۲ این نظر را تأیید نموده است.

سوم امکان فرار برای خسارت دیده وجود داشته باشد: بایستی امکان دور شدن از صحنه خطر برای مخاطب وجود داشته باشد که مورد سوم خود حایز نکات قابل توجهی به شرح ذیل می‌باشد:

الف- مخاطب زمان کافی جهت گریز از صحنه خطر را داشته باشد.

ب- توانایی و قدرت جسمی لازم را برای دور شدن از صحنه داشته باشد.

ج- شرایط محیط، اوضاع و احوال صحنه اجازه دور شدن را به وی بدهند.

در صورت فقدان هریک از شرایط فوق ضمان جانی هم چنان باقی است، یعنی چنان چه فاصله زمانی هشدار بر حذر دارنده و عمل او مثلاً ده ثانیه باشد ولیکن مدت زمان لازم برای دور شدن از صحنه ۲۰ ثانیه باشد و بدین لحاظ

^{۳۵}. زین الدین بن علی، جبعی عاملی، شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، جلد پانزدهم، ۱۴۱۳ه ق، ص ۳۴۱

^{۳۶}. سید مصطفی، محقق داماد، پیشین، ص ۲۴۲

^{۳۷}. سید رضا، حسینی، پیشین، ص ۵۲.

از ناحیه جانی صدمه‌ای بر مجنی علیه وارد آید، ضامن است یا این که فرد مخاطب توانایی جسمی لازم را برای فرار حتی پس از شنیدن اعلام خطر توسط مامور را نداشته باشد، چنان چه مخاطب مثلاً فردی فلج یا پایش شکسته و در گج باشد، به نحوی که به زحمت حرکت می‌کند باز چون امکان فرار ندارد، جانی ضامن است.^{۳۸} هم چنان که اگر موانع موجود بر سر راه مخاطب مانع فرار او باشند ولو آن که هشدار دهنده، هشدار خود را داده و به سمع مخاطب هم رسیده باشد، به دلیل این که امکان فرار برای وی نیست، جانی ضامن است چنان چه مثلاً هشدار دهنده قصد تیراندازی (در میدان تیر) دارد و به «حذار» می‌گوید و مخاطب او (چوپان) قصد فرار، لکن از یک طرف سگ درنده‌ای با پارس کردن مانع فرار اوست و طرف دیگر نهر بزرگ و پرآبی است که آب با شتاب زیاد در حال حرکت است و هیچ راه فرار دیگری برای او نیست و به قول معروف راه پس و پیش ندارد و در این حال چنان چه حذار دهنده به گمان این که حذار را گفته و وظیفه‌اش را انجام داده است تیری را به قصد زدن به سیل رها می‌کند و اتفاقاً به جای برخورد به سیل، به مخاطب حذار اصابت می‌کند، در این جا مامور ضامن است.

یاد آور می‌شود، مسئولیت رامی در فرض فقدان عناصر و چنان چه هشدار حذار دهنده به نحو جامع و کامل به سمع مرمی نرسیده باشد، مطابق نظر فقهای این اصابت به نحو خطای محض می‌باشد و مسئولیت پرداخت دیه بر عاقله رامی می‌باشد.^{۳۹}

مبحث سوم: مسئولیت دولت در جبران خسارت ناشی از تیراندازی

در صورتی که مامورین مسلح مطابق قانون به کارگیری سلاح تیراندازی نمایند، هرچند که موجب ایجاد جراحت، قتل و خسارت به اموال دیگران شده باشد مامور مسئولیت کیفری و مدنی نخواهد داشت. قانون گذار در ماده ۱۲ قانون به کارگیری سلاح مقرر داشته است، "مامورینی که با رعایت مقررات این قانون، مبادرت به به کارگیری سلاح نمایند، از این جهت هیچگونه مسئولیت جزایی و مدنی نخواهد داشت." مبنای این مقرر، بحث "اجازه و اذن قانون" یا "امر قانون" است که از علل موجهه در حقوق جزای عمومی است و عملی که در شرایط عادی جرم است، در صورت انجام با اجازه قانون، جرم نخواهد بود، لذا در این مورد نه تنها مامور مسئولیت کیفری نخواهد داشت بلکه از مسئولیت مدنی نیز مبرا خواهد بود؛ زیرا عمل تیراندازی به حکم قانون صورت پذیرفته است. با این اوصاف حسب ماده ۱۳ قانون به کارگیری سلاح که ناظر به ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی می‌باشد باید اظهار نمود؛ در صورتی که مامورین با رعایت مقررات این قانون سلاح بکار گیرند و در نتیجه طبق آرای محاکم صالحه شخص یا اشخاص بی‌گناه مقتول و یا مجروح شده یا خسارت مالی بر آنان وارد شده باشد، پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده سازمان نظامی مربوطه خواهد بود و نیز حسب تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در این صورت دیه از بیت‌المال (سازمان نظامی) پرداخت می‌گردد؛ زیرا خون مسلمانی ریخته شده است و در اجرای قاعده یحرمت دماء مسلمان و قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام این اقدام قابل توجیه است و دولت مکلف است همه ساله بودجه‌ای را برای این منظور در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد. علت پرداخت دیه از بیت‌المال قاعده "لا یبطل دم امرء مسلم" می‌باشد، در این روایت بیان شده که دیه از بیت‌المال پرداخت گردد و علت آن هم به

^{۳۸} سید مصطفی، محقق داماد، همان، ص ۲۴۳.

^{۳۹} محمد بن الحسن، جبعی عاملی، حر، الروضه البهیة فی شرح اللعنه (شرح لمعه) مکتبه الاسلامیه، جلد دهم، بی تا، تهران، ۱۳۰۹، ص

۱۲۰ و محقق داماد، سید مصطفی، همان، ص ۲۴۴.

هدر نرفتن خون مسلمان است.^{۴۰} خداوند در قرآن کریم در آیه ۹۳ سوره نساء، می‌فرماید، اگر کسی عمداً انسان بی‌گناهی را بکشد و قاتل وی به هر علت (مواع قانونی و ثبوتی) قصاص نشود یا اجرای آن فراهم نشود در هر صورت خون وی به هدر نرود و دیه نفس در ازای آن پرداخت گردد.

اما سؤال مهم این است در صورت مقصر بودن سربازان وظیفه در حوادث زیان بار از قبیل قتل یا جرح ناشی از تیراندازی غیرقانونی و معسر بودن آن‌ها از جبران خسارت چه کسی یا کسانی مسئول جبران خسارت وارده در قبال زیان دیده می‌باشند؟

در این زمینه بین قضات محاکم نظامی و علمای حقوق اختلاف نظر وجود دارد:

اکثریت حقوق دانان و قضات محاکم نظامی بر این دیدگاه نظر دارند، شخص مقصر خودش باید دیه را بپردازد و پرداخت دیه در فرض تقصیر مامورین نظامی (عدم رعایت قوانین و مقررات) از بیت المال جایز نیست.^{۴۱} طرفداران این نظریه معتقدند، در حقوق ایران اصل بر پرداخت دیه از سوی جانی است و مواردی که دیه از سوی غیر (بیت‌المال، عاقله، اقارب و...) تجویز شده، استثنا بر اصل می‌باشد و با عنایت به این که در متون جزایی و فقهی موردی برای پرداخت دیه از سوی بیت‌المال جز موارد مذکور پیش‌بینی نشده است، لذا پاسخ به سؤال منفی است. هر چند بعضی از فقها اعتقاد دارند از باب احسان و فلسفه وضع بیت‌المال و جلوگیری از تضییع حق مجنی‌علیه و حرمت دم‌ماء مسلم، باید به سؤال پاسخ مثبت دهیم.^{۴۲} اما با توجه به اصل مستند و مستند بودن احکام محاکم می‌بایستی نص صریح قانونی و یا فتوای معتبر در توجیه این حکم را ابراز دارند. موارد پرداخت دیه از بیت‌المال در قانون مجازات اسلامی منحصر و مشخص است. پرداخت دیه از بیت‌المال یک امر کاملاً استثنایی است و اصل بر پرداخت دیه توسط جانی یا ضارب می‌باشد.

اما کمیسیون حقوقی و اقلیت قضات محاکم نظامی در مخالفت با نظریه فوق بیان داشتند، بیت‌المال نهادی است برای نگهداری اموال عمومی که از همان آغاز تاریخ حکومت اسلام پدید آمده است تا اموال موجود در آن به تدریج به مصارف مختلف برسد، و در روزگاران جدید نام «خزانه‌داری کل» به کار برده‌اند.

علمای اسلام، حقوقی را که تعلق به بیت‌المال دارد و نیز حقوقی که ادای آن‌ها بر بیت‌المال لازم است بدین صورت تعریف کرده‌اند: «هر مالی که مسلمانان استحقاق دریافت آن را داشته باشند و مالک آن معین نشده باشد تعلق به بیت‌المال دارد، و هر مالی که واجب است در راه مصالح مسلمانان صرف شود حقی است که ادای آن بر بیت‌المال لازم می‌باشد.

بنابراین پرداخت دیه توسط بیت‌المال ناشی از ولای امامت می‌باشد «الحاکم ولی من لا ولی له» و همان طوری که امام وارث و ولی کسی است که وارث ندارد. «الحاکم وارث من لا وارث له»^{۴۳} در موارد لزوم نیز ضامن و مسئول پرداخت دیه است و علت این که در این موارد، دیه بر بیت‌المال قرار داده شده است، بدین لحاظ است که حاکم نماینده جامعه و اجتماع اسلامی است و وظیفه ایجاد نظم و امنیت در جامعه و اجرای قانون به عهده حاکم اسلامی است و در صورت ارتکاب بزه و ورود صدمات به افراد، وظیفه حاکم اسلامی است که نسبت به شناسایی مرتکب و مجازات آن و جبران صدمات جسمانی وارده به زیان دیده اقدام نماید، در غیر این صورت خود پاسخگو

^{۴۰} احمد، عابدینی، قاعده ارزش خون، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۰، ۱۳۸۳، ص ۴۴.

^{۴۱} مجموعه نشست‌های حقوقی و قضایی، همان، ص ۲۳.

^{۴۲} www.ghazavat. Com/۵۳/Miz/him

^{۴۳} محمد رضا، بندرچی، شماره ۳۵، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ص ۲۳.

بوده و جبران خسارت می نماید. مضافاً این که قرآن کریم و احادیث وارده و ابواب فقه برای صیانت خون و جان مسلمین اهمیت و احترام خاصی قایل گردیده اند و به صورت قاعده‌ای معروف «حفظ دماء مسلم» یا «لا یبطل دم امرء المسلم» کراراً آن را بیان نموده اند.^{۴۴}

لذا جهت تقویت و استحکام بیشتر دیدگاه دوم، به نمونه‌هایی از مهم‌ترین مصادیق و دلایل مسئولیت دولت در فرض تقصیر مامورین و اعسار آن‌ها از جبران خسارت در قبال اشخاص زیان دیده از طریق بیت المال مسلمین و دولت می پردازیم:

گفتار اول: مسئولیت ناشی از پایمال نشدن خون انسان‌های بی گناه

اسلام برای حفظ حیات انسان اهمیت بسزایی قایل است تا جایی که کشتن یک انسان محقون الدم را همسان با کشتن تمامی افراد روی زمین و همردیف با نابودی نسل بشر می داند.^{۴۵} علاوه بر آن، در اسلام قتل عمدی انسان بی گناه، مجازات اخروی بی پایان، خشم و لعن خداوند را به دنبال دارد^{۴۶}، قابل پیش‌بینی است که در چنین مکتبی خون انسان‌ها تا چه اندازه دارای ارزش و احترام می باشد. برای آشنایان به فقه و احکام شرع، مسأله‌ی اهمیت خون انسان بین الملل گناه روشن و مبرهن است. در این باره روایات متعددی وجود دارد که تنها به ذکر حدیثی از پیامبر اکرم (ص) بسنده می شود. در روایتی که از پیامبر اسلام رسیده است می فرمایند: خدایی که مرا به حق به رسالت مبعوث نمود، اگر تمام اهل آسمان و زمین در قتل انسان بین الملل گناهی شرکت نمایند و یا راضی به آن عمل باشند، خداوند همگی آن‌ها را با صورت در آتش خواهد افکند.^{۴۷} در مکتب اسلام جان مسلمانان به استثنای فرق مهدورالدمی چون نواصب، خوارج و بلکه تمامی انسان‌ها به جز کفار حربی دارای احترام است و حتی الامکان نباید خونی بر زمین ریخته شود و اگر ناگزیر چنین امری به وقوع پیوست، باید به نحو مقتضی جبران گردد. جبران قتل نیز به این است که اگر قاتل عمداً اقدام به چنین کاری کرده است، اولیای دم اختیار دارند که طعم مرگ را به قاتل بچشانند و او را قصاص نمایند و اگر قاتل در عمل خود تعددی نداشته است، باید در عوض خونی که بر زمین ریخته است دیه بپردازد. در چنین مواردی هرگاه قاتل یا بستگانش توانایی پرداخت دیه را نداشته باشند، باید بیت‌المال دیه را بپردازد تا خون انسان بی گناه پایمال نشود. روایات متعددی از اهل بیت (ع) در خصوص هدر نرفتن خون مسلمان وارد شده است. تأکید تمامی روایات مذکور بر این نکته است که خون مسلمان تحت هیچ شرایطی نباید پایمال شود. تعداد این روایات به حدی است که نیازی به بررسی سند آن‌ها وجود ندارد. در ذیل نمونه‌ای از این روایات از نظر می گذرد:

۱- ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت می کند: "در مورد شخصی که مرتکب قتل عمد شده و پس از آن اقدام به فرار نموده بود پرسیدم در صورتی که به قاتل دسترسی نباشد چه باید کرد؟ امام فرمود: "اگر قاتل مالی دارد، دیه مقتول از اموال او گرفته می شود والا از بستگان او با رعایت الاقرب فالاقرب، و اگر قاتل بستگانی نداشت، دیه مقتول را امام می پردازد. پس به درستی که خون مسلمان نباید هدر رود."^{۴۸}

^{۴۴}. مجموعه نشست‌های قضایی سازمان قضایی نیروهای مسلح، همان، ص ۲۳.

^{۴۵}. آیه ۳۲ سوره مایده .

^{۴۶}. آیه ۹۳ سوره نساء .

^{۴۷}. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، من لا یحضره الفقیه، جلد چهارم، چاپ دوم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۹۷.

^{۴۸}. طوسی، ابو جعفر، محمد بن الحسن، جلد چهارم، ۲۶۱ و جلد ۱۰ ص ۱۷۰ حر العاملی، محمد بن الحسن، جلد نوزدهم، ۱۱۰۴، ص ۳۹۵.

۲- از سلمه بن کهیل نقل شده است که: حضرت علی(ع) در مورد شخصی که مرتکب قتل شده بود و خویشاوندی نداشت فرمود: "دیة مقتول را من از جانب قاتل پرداخت می‌کنم و نخواهم گذاشت، خون مسلمانی پایمال شود"^{۴۹}.

۳- برید بن معاویه می‌گوید: از امام صادق(ع) در مورد مردی پرسیدم که عمداً مرد دیگری را به قتل رسانده و قبل از اثبات جرم و اقامه‌ی شهود، دچار اختلال حواس شده و پس از آن گروهی شهادت داده‌اند که متهم مرتکب قتل شده است. امام فرمود: "اگر شهود شهادت دهند که متهم در هنگام قتل عاقل بوده، متهم قصاص خواهد شد، لکن اگر شهود به این مسأله شهادت ندادند، در صورتی که متهم مالی داشته باشد، خونبها از مال او به ورثه مقتول پرداخت خواهد شد، اما اگر قاتل مالی نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخته می‌شود و خون مسلمان هدر نمی‌رود."^{۵۰} تحلیلی که در ذیل روایات فوق آمده، این است که اولاً عبارت "لایبطل (لایطل) دم امرئ مسلم" اطلاق دارد و حاکی از هدر نرفتن خون مسلمان است؛ خواه این خون مربوط به نفس باشد یا عضو.

ثانیاً هر چند این روایات ذیل موضوع قتل بیان شده است ولی این ادعا که "هدر نرفتن خون" اختصاص به قتل دارد درست نیست و در جراحات نیز جریان دارد، بر مبنای روایاتی است که "در آن به هدر نرفتن خون" تأکید شده است، بدون آن که موضوع روایات مذکور "قتل" باشد. به عنوان نمونه در روایتی وارد شده است که حضرت علی(ع) به رفاعه نوشتند: "لا تطل الدماء ولا تعطل الحدود؛ خون را پایمال و حد را تعطیل نکن"^{۵۱}. در روایت دیگری نیز آمده است: حضرت علی(ع) به گماشتگان خود می‌نگاشت: "در اسلام خونی هدر نمی‌رود."^{۵۲}

یادآور می‌شود، روایاتی که دلالت بر پایمال نشدن خون مسلمان دارد، به حدی شایع است که مضمون آن به صورت یک قاعده فقهی با نام "قاعده لایبطل دم امرئ مسلم" درآمده است. مقصود از این قاعده بیان اهمیت خون مسلمان از جهت ساقط نشدن دیه مقتول است^{۵۳}. اما با توجه به مضمون دو روایت مرفوعه که در مستدرک آمده است می‌توان قایل به هدر نرفتن مطلق خون انسان‌ها شده‌اند و در همین زمینه برخی از فقها معتقدند که در مواردی که بیت المال مسئولیت دارد تفاوتی بین مسلمان و غیر مسلمان به جز (نواصب، خوارج، کفار حربی) وجود ندارد.^{۵۴}

گفتار دوم: مسئولیت ناشی از قصور حکومت در ایجاد نظم

از مهم‌ترین وظایف حکومتها برقراری نظم و امنیت است، زیرا نظم و امنیت لازمه تمامی فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و... است. حکومت دینی نیز از چنین قاعده‌ای مستثنا نیست. بر حکومت است که ارتکاب قتلها و وقوع درگیریها را از طریق مامورین به حداقل ممکن کاهش دهد و اصولاً زمینه‌های بروز آن را از بین ببرد و اگر احیاناً قتلی به وقوع پیوست، قاتل را دستگیر کند و به سزای عملش برساند. حال اگر حکومت در این امر توفیق نیافت، باید دیه مقتول را بپردازد تا خسارتی که از طریق سهل انگاری حکومت به خانواده مقتول وارد شده است، جبران

^{۴۹}. مغربی، نعمان بن محمد بن منصور، دعايم الاسلام، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات دارالمعارف، مصر، ۱۳۸۲، ص ۴۰۲ و صدوق، محمد بن علی بن الحسین، همان، ص ۹۷.

^{۵۰}. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الفروع من الکافی، جلد هفتم، چاپ سوم، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷، ص ۲۹۵.

^{۵۱}. حسین، نوری، مستدرک الوسایل، جلد هجدهم، چاپ دوم، نشر موسسه آل بیت، ۱۴۰۹، ص ۲۵۹.

^{۵۲}. همان، ص ۲۵۹.

^{۵۳}. محمد حسین، نجفی، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، جلد ۴۳، چاپ سوم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ق، ص ۴۱۰ و

مصطفوی، سید کاظم، مئه قاعده فقهیه، چاپ دوم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۲۹

^{۵۴}. گنجینه‌ی استفتائات قضایی (نرم افزار)، بهجت محمد تقی و موسوی اردبیلی کد ۶۶۳۵

گردد.^{۵۵} در مورد این مبنا که مستند آن سیره‌ی عقلاست باید گفت که هرگاه بتوان قصوری را به دولت نسبت داد، قطعاً دولت باید از عهده‌ی جبران خسارات برآید، مانند جایی که دولت با بی توجهی موجب می‌گردد تا نظم و امنیت منطقه‌ای از بین برود و افرادی متعرض جان، مال و ناموس مردم گردند، در صورت عدم دسترس به مجازات سلب کنندگان امنیت، دولت باید از عهده‌ی خسارات برآید؛ زیرا عقلاً در چنین مواردی دولت را مسئول ناامنی می‌دانند و خسارات وارد بر آسیب دیدگان را به حکومت منتسب می‌نمایند. در برخی از روایات نیز به مسئولیت بیت‌المال در مورد خسارات وارد بر مردم در جریان آشوب‌ها و ناآرامی‌ها تصریح شده است.^{۵۶} گفتنی است هرگاه حکومت، مرتکب هیچ گونه قصور یا سهل انگاری نشده باشد، طبق مبنای مذکور مسئولیت نخواهد داشت؛ هر چند این امر نفی کننده‌ی مسئولیت بیت‌المال بر طبق مبنای دیگر نیست. اگر قلمرو "قاعده‌ی لایبطل دم امری مسلم" را فراتر از "خون مسلمان" بدانیم و بگوییم این قاعده بر هدر نرفتن "مطلق خون" دلالت می‌کند، خواه مقتول مسلمان باشد یا کافر، در آن صورت قطعاً مواردی که تحت عنوان قصور حکومت مطرح شده است، مشمول "قاعده‌ی لایبطل" هم خواهد بود. اما بنا بر آن که "قاعده‌ی لایبطل دم امری مسلم" دلالتی بر هدر نرفتن خون غیرمسلمان نداشته باشد، بین مبنای نخست (قاعده‌ی لایبطل) و مبنای قصور حکومت رابطه‌ی عموم و خصوص من وجه برقرار خواهد بود. توضیح مطالب این است که برخی از مصادیق پرداخت دیه از بیت‌المال، هم مصداق قصور حکومت و هم مصداق "قاعده‌ی لایبطل دم امری مسلم" خواهد بود، مانند صورتی که مسلمانی در آشوب و اغتشاش خیابانی از طریق تیراندازی مامورین به قتل می‌رسد یا قاتل شخص مسلمانی، فراری شود و به او دسترسی نباشد. برخی از موارد نیز مصداق "قاعده‌ی لایبطل" خواهد بود، بدون آن که مصداق قصور حکومت باشد، مانند موردی که حکومت هیچ گونه قصوری نداشته است یا مواردی که شخصی مرتکب قتل خطای محض شود و عاقله‌ی او ولی امر مسلمانان باشد و بالاخره این که برخی موارد، مصداق قصور حکومت خواهد بود، بدون آن که مصداق "قاعده‌ی لایبطل" باشد، مانند آن که شهروند اهل ذمه‌ای توسط مسلمانی به قتل برسد و قاتل پس از ارتکاب قتل، فرار کند و به او دسترس نباشد. با توجه به این که مستند مبنای قصور حکومت در واقع سیره‌ی عقلاست، می‌توان آن را به مواردی فراتر از بحث دماء نیز تعمیم داد. به این ترتیب، در هر موردی که امکان استناد قصور و سهل انگاری به حکومت در انجام وظیفه وجود داشته باشد، جبران خسارت آسیب دیدگان بر عهده‌ی دولت خواهد بود.

گفتار سوم: مسئولیت ناشی از عدم آموزش سربازان وظیفه

امروزه در نیروهای مسلح، آموزش و آشنایی سربازان با قوانین و مقررات به کارگیری سلاح، علی‌الخصوص سربازانی که جهت تامین نظم و امنیت، کنترل اغتشاشات و شورش‌ها، حفاظت از تاسیسات و اماکن و ... به کار گرفته می‌شوند، دارای اهمیت و حساسیت خاصی می‌باشد، تا جایی که قانون گذار مطابق ماده ۲ قانون به کارگیری سلاح فرماندهان مربوطه را مکلف نموده است صرفاً از مامورین واجد شرایط در ماده استفاده نمایند، لذا عدم وجود

^{۵۵}. منصور، ابادری فومشی، شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، چاپ بهرام، ۱۳۷۹، ص ۳۲۴، عوض ادريس، احمد، ديه، ترجمه علی‌رضا فیض، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۱، ص ۲۳۷.

^{۵۶}. محمدبن‌الحسین، ابو جعفر، تهذیب الاحکام، جلد دهم، چاپ چهارم، نشر دارالکتب، تهران، ۱۳۶۵، ص ۳۰۲ و علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر، مختلف الشیعه، جلد نهم، چاپ اول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۹ ه ق، ص ۳۳۵ و هذلی، یحیی، الجامع للشرایع، انتشارات موسسه سیدالشهداء، ۱۴۰۵، ص ۵۸۲ و ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السراير، جلد سوم، چاپ دوم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۱ ه ق، ص ۲۶۰.

هریک از شرایط فوق موجب مسئولیت مأمور و مقامات دستوردهنده (مافوق) خواهد بود. شرایط لازم در ماده ۲ به شرح ذیل می باشد:

- ۱- سلامت جسمانی و روانی متناسب با مأموریت محوله.
 - ۲- داشتن آموزش های لازم در راستای مأموریت های محوله.
 - ۳- تسلط کامل در به کار گیری سلاحی که در اختیار آن ها گذارده می شود.
 - ۴- آشنایی کامل به قانون و مقررات مربوط به به کار گیری سلاح.
- هم چنین قانون گذار بر طبق مواد ۸ و ۹ همین قانون " رؤسا و فرماندهان مربوطه را مکلف نموده است که قبل از اعزام مأمورین حدود اختیارات و مسئولیت های آنان را گوشزد نمایند و مأمورینی که آموزش کافی و لازم را در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده است، ندیده اند باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند و در صورتی که مأموریتی به این قبیل افراد محول شود، فرمانده مسئول عواقب ناشی از آن خواهد بود مشروط براین که مأمور در حدود دستور فرمانده اقدام نموده باشد." بنابراین ملاحظه می شود اگر فرماندهان از سربازانی استفاده نمایند که آشنایی و تسلط کامل به قوانین و مقررات به کارگیری سلاح ندارند و این امر به صورت کتبی به فرمانده مربوطه اطلاع داده شده است، اما وی اصرار در به کارگیری آن ها در انجام مأموریت با توجه به شرایط و اوضاع و احوال قضیه دارد، در صورتی که اقدام مأمور در حدود دستور فرمانده باشد و موجبات اخلال در نظم را فراهم آورد، در این خصوص عده ای از قضات سازمان قضایی معتقدند که مأمور دارای مسئولیت مدنی خواهد بود و فرمانده ی وی مشمول ماده ۵۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح می گردد، اما این برداشت درست نیست؛ زیرا ماده ۵۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مربوط به تقصیر جزایی فرماندهان و مسئولان رده های مختلف نیروهای مسلح است، در ثانی رابطه ی علیت نیز بین نتیجه مجرمانه و اقدام فرمانده و مأمور وجود ندارد، لذا مطابق بند پ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی جدید که امر آمر قانونی رایکی از علل موجهی جرم دانسته است، به نظر می رسد با وجود شرایط لازم مأمور مسئولیت کیفری و حقوقی نداشته و فرمانده مسئول عواقب ناشی از آن باشد.^{۵۷} هر چند ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است، اگر اشتباه مأمور قابل قبول نیز باشد رافع مسئولیت مدنی نخواهد بود و تنها مسئولیت کیفری از وی برداشته می شود، ولی این حکم چندان با عدالت و انصاف سازگار نیست؛ زیرا اگر دستور مقام مافوق خلاف قوانین و مقررات باشد و مأمور توان مخالفت و مقاومت در برابر آن را نداشته باشد؛ در این صورت نیز می توان امر آمر قانونی را رافع تقصیر مأمور تلقی کرد. چون عرفاً آمر مطابق ماده ۳۳۲ قانون مدنی سبب اقوی از مباشر محسوب می شود و ضرر به وجود آمده، منتسب به آمر است و مأموری که اشتباه قابل قبول مرتکب شده است، تقصیری ندارد. لذا می توان گفت، ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی ناظر به مواردی است که، ضرر عرفاً به مأمور نسبت داده شود.^{۵۸}

گفتار چهارم: مسئولیت ناشی از بیمه نمودن مسئولیت سربازان وظیفه

یکی از مخاطراتی که سربازان وظیفه در حین انجام مأموریت بیشتر با آن مواجه هستند؛ مسئولیت ناشی از فعالیت شان در قبال اشخاص ثالث می باشد. جهت تأمین مخاطره ی مذکور گرچه به طریق اولی مقصر، مسئول جبران خسارت زیان دیده است؛ لیکن امور متعددی باعث می شود، تماماً یا بخشی از خسارت وی، به دلیل عدم تمکن

۵۷. سید رضا، حسینی، سید، همان، ص ۳۷ و ۳۸

۵۸. سید حسین، صفایی، حبیب ا...، رحیمی، همان، ص ۱۷۲.

مالی سربازان، فراریا عدم دسترسی به قاتل، مهلت دار بودن خسارت و طولانی بودن زمان رسیدگی توسط محاکم، خسارت بدون جبران باقی بماند. لذا باید راهکار بیمه‌ی مسئولیت مدنی ناشی از تیراندازی در پیش گرفته شود. دلیل ضرورت بیمه‌ی مسئولیت مدنی در نیروهای مسلح این است که؛ امروزه در مراکز آموزش‌های نظامی و یگان تابعه، عدم رعایت مقررات مربوط به تیراندازی درصد زیادی از حوادث زیان بار را به خود اختصاص داده است. با توجه به این که مهمترین هدف مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده است و از آن جا که سازمان‌های نظامی از سربازان وظیفه و مزایای وسایل و تجهیزات نظامی در زمینه‌های مختلف بهره مند می‌گردند، بالتبع باید خسارت ناشی از عملکرد منفی آن‌ها را نیز خودشان جبران نمایند. بنابراین اولاً) با توجه به لزوم جبران خسارت زیان دیدگان این حوادث ثانیاً) عدم تمکن مالی اشخاص مسئول ثالثاً) حمایت هر چه بیشتر از پوشش حوادث عمدی یا غیر عمد سربازان وظیفه و رابعاً) جهت جرات و جسارت بیشتر مأمورین در آن جام مأموریت‌ها (حفظ نظم و امنیت، کنترل شورش‌ها و اغتشاشات و...) قانون گذار باید راهکار بیمه‌ی مسئولیت مدنی ناشی از تیراندازی در نیروهای مسلح را در پیش بگیرد؛ زیرا حداقل این است که پرداخت خسارت توسط دولت در جایی که اکثر سربازان از آگاهی و تمکن لازم جهت پرداخت خسارت به زیان دیده برخوردار نیستند، می‌تواند مرهمی بر خسارت یا آسیب وارده به شخص زیان دیده باشد. یادآور می‌شود، نمونه مشابه این امر در حقوق کشورمان ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی، در مقابل اشخاص ثالث (اصلاحی ۱۳۸۷) در مورد تصادفات رانندگی می‌باشد.^{۹۹}

نتیجه گیری

امروزه در نیروهای مسلح، سه عامل آموزش کافی از سوی مسئولین مربوطه، نداشتن دقت و مهارت کافی در جهت انجام مأموریت‌های محوله درصد زیادی از خسارت ناشی از تیراندازی را به خود اختصاص داده است؛ این در حالی است که قانون گذار به صراحت در مواد ۸ و ۹ قانون به کار گیری سلاح، رؤسا و فرماندهان مربوطه را مکلف نموده است که قبل از اعزام مأمورین حدود اختیارات و مسئولیت‌های آنان را گوشزد نمایند و مأمورینی که آموزش کافی در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده است ندیده‌اند، باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند و در صورتی که مأموریتی به این قبیل افراد محول شود، فرمانده مسئول عواقب ناشی از آن خواهد بود، مشروط بر این که مأمور در حدود دستور فرمانده اقدام نموده باشد. همان طور که مشاهده می‌شود در قوانین و مقررات به کارگیری سلاح، آموزش مأمورین از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است.

اما در برخی از مواقع مشاهده می‌شود، سربازان بدون این که آموزش‌های تخصصی مورد نیاز را در خصوص نحوه استفاده از سلاح گذرانده باشند از سوی مسئولین، شغل یا مأموریتی به آن‌ها واگذار می‌شود، که ممکن است در نتیجه بی احتیاطی و بی مبالاتی به شخص یا اشخاص ثالث خسارت وارد نمایند، در خصوص مسئولیت یا عدم مسئولیت مأمورین در همین خصوص می‌توان اظهار نمود، در صورتی مأمورین از مسئولیت مبرا می‌باشند، که مطابق تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و ماده ۷۳۴ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ قانون به کار گیری سلاح در چارچوب قوانین و مقررات به دستورات عمل نموده و تیراندازی کرده باشند و هیچ

^{۹۹}. مهدی، باباجانی، بررسی مسئولیت مدنی سربازان وظیفه در حوادث زیان بار نسبت به اشخاص ثالث و سازمان های تابعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق تهران مرکز، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰.

گونه تخطی از قوانین و مقررات نموده باشند، در این صورت و در فرض خسارت به شخص یا اشخاص بی گناه، دیه مجروح یا مقتول از بیت المال پرداخت می‌شود، در غیر این صورت به استناد مواد ۴۱ و ۱۳۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و ماده ۱۶ قانون به کارگیری سلاح مامورین مقصر نه تنها دارای مسئولیت کیفری می‌باشند؛ بلکه ضامن جبران خسارت در قبال شخص یا اشخاص زیان دیده خواهند بود. در همین خصوص (فرض تقصیر مامورین) اگر ثابت شود، شخص مقصر تمکن مالی جهت پرداخت خسارت به زیان‌دیده را ندارد و اعسار وی مطابق قوانین و مقررات در محاکم ثابت شده باشد، براساس مفاد ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی، قواعد و روایات معتبر فقهی، بستگان وی براساس قاعده "الاقرب فالاقرب" باید به ترتیب دیه را بپردازند و چنان چه بستگانی نداشته یا دارد ولی تمکن مالی ندارند، مسئولیت پرداخت دیه براساس قواعد "الحاکم ولی من لا ولی له" و "الحاکم وارث من لا وارث له" بر عهده بیت المال مسلمین قرار می‌گیرد، در واقع در این گونه موارد دولت به قایم مقامی از عاقله، مسئولیت پرداخت دیه و جبران خسارت را عهده دار می‌شود؛ زیرا به هر حال در جامعه اسلامی، خون همه انسان‌ها به جزء نواصب، خوارج و کفار حربی دارای احترام می‌باشد و در این مورد (پرداخت دیه از بیت المال) برخی از فقها تفاوتی بین مسلمان و غیر مسلمان قایل نیستند و براساس قاعده لایبطل دم امرء مسلم قایل به هدر نرفتن مطلق خون انسان‌ها شده‌اند و از طرفی براساس قاعده‌ی "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام" معتقدند که در اسلام ضرر غیر متدارک وجود ندارد و به هر ترتیب باید خسارت وارده به زیان دیده جبران گردد.

پیشنهادات

- ۱- آموزش تخصصی و حرفه‌ای سربازان وظیفه با توجه به ماموریتها و مسئولیت‌های محوله در کلیه‌ی سطوح نیروهای مسلح عملی شود.
- ۲- بیمه‌ی مسئولیت مدنی ناشی از تیراندازی در کلیه سطوح نیروهای مسلح اجباری شود.
- ۳- آشنا نمودن سربازان در خصوص مسئولیت ناشی از تعدی و تفریط در نحوه استفاده از سلاح و مسئولیت آن‌ها در قبال زیان دیده.
- ۴- مسئولیت آمر و مامور به طور مشخص در نیروهای مسلح تبیین گردد.
- ۵- ضمانت اجرای عدم رعایت مواد ۸، ۲ و ۹ قانون به کارگیری سلاح به وضوح تعیین گردد.
- ۶- حدود و ثغور مسئولیت فرماندهان در صورت عدم آموزش سربازان در انجام ماموریت‌ها مطابق ماده ۹ قانون به کارگیری سلاح مشخص و تعیین شود.

منابع

قرآن کریم

الف) کتب فارسی

۱. اباذری فومشی، منصور، شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، چاپ بهرام، ۱۳۷۹.
۲. باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۸۹.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴. حسینی، سید رضا، بررسی علمی و کاربردی مقررات به کارگیری سلاح، چاپ اول، نشر میزان با همکاری اداره کل آموزش و پژوهش سازمان قضایی، ۱۳۹۲.
۵. داراب پور، مهرداد، مسئولیت خارج از قرارداد، جلد دوم، انتشارات مجد، سال ۱۳۹۰.
۶. دالوند، فضل ا...، تقسیم مسئولیت مدنی، چاپ اول، انتشارات دادیار، اصفهان، ۱۳۸۶.
۷. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، جلد اول، نشر پاژنگ، تهران، ۱۳۷۱.
۸. صفایی، حسین، رحیمی، حبیب ا...، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، نشر مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۰.
۹. صفایی، حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۲، تعهدات و قراردادها، نشریه‌ی موسسه‌ی عالی حسابداری، ۱۳۵۱.
۱۰. عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی (با نگرشی تطبیقی)، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۱.
۱۱. عوض ادريس، احمد، دیه، ترجمه‌ی علیرضا فیض، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ اول، ۱۳۷۲ ه. ش.
۱۲. قاسم زاده، سیدمرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۷.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی - وقایع حقوقی، چاپ یازدهم، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
۱۴. مال میر، محمود، شرح قانون جرایم نیروهای مسلح، چاپ سوم، نشر دادگستر، ۱۳۸۹.
۱۵. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی ۲، چاپ نهم، نشر مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸.
۱۶. معاونت حقوقی و قضایی سازمان قضایی نیروهای مسلح، استعلام قضایی از قضات سازمان قضایی، انتشارات پونه، تهران، ۱۳۷۸.
۱۷. معاونت حقوقی و قضایی سازمان قضایی نیروهای مسلح، پرسش‌های قضایی و حقوقی و نظریه‌های مشورتی، چاپ اول، انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۱.
۱۸. معاونت حقوقی و قضایی سازمان قضایی نیروهای مسلح، مجموعه نشست‌های قضایی، جلد دوم، چاپ اول، چاپ نگین، تهران، ۱۳۸۷.

ب) منابع عربی و فقهی

۱. ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر، جلد سوم، چاپ دوم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۱ ه. ق.

۲. ابوجعفر، محمدبن الحسین، تهذیب الاحکام، جلد دهم، چاپ چهارم، نشر دارالکتب، تهران، ۱۳۶۵.
۳. جبعی عاملی، زین الدین بن علی، (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، جلد پانزدهم، ۱۴۱۳ه ق.
۴. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، من لا یحضره الفقیه، جلد چهارم، چاپ دوم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.
۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، جلد دهم، چاپ چهارم، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ق.
۶. عامر، حسین، المسئولیه المدنیه التقصیریه و العقدی، مطبعه مصر شرکه مساهمه مصریه، الطبعه الاولی، ۱۹۵۶م، ۱۳۷۶ه ق.
۷. عاملی، حر، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، جلد نوزدهم، نشر موسسه آل البیت، بیروت، ۱۱۰۴ه.
۸. عاملی، حر، محمد بن الحسن، الروضه البهیة فی شرح اللمعه (شرح لمعه) مکتبه الاسلامیه، جلد دهم، بی تا، تهران، ۱۳۰۹.
۹. علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر، مختلف الشیعه، جلد نهم، چاپ اول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۹ه ق.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الفروع من الکافی، جلد هفتم، چاپ سوم، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷.
۱۱. مصطفوی، سید کاظم، مئه قاعده فقیهیه، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۷، قم.
۱۲. مغربی، نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الاسلام، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات دارالمعارف، مصر، ۱۳۸۲.
۱۳. نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، جلد ۴۳، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷، قم.
۱۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، جلد هجدهم، چاپ دوم، نشر موسسه آل بیت ۱۴۰۹ه ق.
۱۵. هذلی، یحیی، الجامع للشرایع، انتشارات موسسه سیدالشهداء، ۱۴۰۵.

ج) پایان نامه

۱. باباجانی، مهدی، بررسی مسئولیت مدنی سربازان وظیفه در حوادث زیان بار نسبت به اشخاص ثالث و سازمان های تابعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۲، تهران مرکز.

د) قوانین و نظریات مشورتی

- الف) قانون به کارگیری سلاح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳.
- ب) قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲.
- ج) قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲
- د) نظریه ی مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، شماره ۷/۱۹۰۶ مورخ ۱۳۸۷/۰۴/۰۳.

- ه) نظریه‌ی مشورتی کمیسیون حقوقی سازمان قضایی، شماره ۱۵۴۱۹ مورخ ۱۳۸۸/۰۴/۲۰.
و) نظریه‌ی مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی، شماره ۷/۳۴/۸۵/۳۳۰۸۴ مورخ ۸۵/۰۴/۱۷.

ر) مجلات، فصلنامه و مقالات حقوقی

۱. بندرچی، محمد رضا، شماره ۳۵، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۲. فصل نامه قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۸۱.
۳. گزارش نشست‌های قضایی سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره ۹۳ و ۹۴، تیر و مرداد ۱۳۸۸.
۴. عابدینی، احمد، قاعده ارزش خون، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۰، ۱۳۸۳.

ز) نرم افزار

- گنجینه‌ی اسفناات قضایی، (نرم افزار)، اداره تدوین و تهیه متون آموزشی قوه قضائیه.

ح) سایت

۱. www.ghazavat.com/۳۵/Miz/him.